مصاحبه: دورنمای عرضه و تقاضا در بازار نفت

فشارکی، فریدون

لطفا بفرمایید در شرایط فعلی که بازار نفت با فقدان ظرفیت تولید مازاد مواجه‏ است،نظر جناب‏عالی در این مورد چیست و تأثیر این وضعیت را بر بازار نفت چگونه‏ ارزیابی می‏کنید؟

در حال حاضر میزان تضاضای نفت شدید است و در سال آینده نیز میزان تقاضا بین یک تا یک میلیون و نیم بشکه نفت در روز خواهد بود. دو نوع عرضه،داریم،یکی در اوپک و یکی در خارج از اوپک.در خارج از اوپک،حداکثر عرضه در سال آینده هفتصد هزار بشکه در روز خواهد بود.بنابراین،این مقدار برای رسیدن به‏ ظرفیت مورد نیاز به هیچ‏وجه کافی نخواهد بود. در بین کشورهای اوپک نیز در حال حاضر تنها سه کشور عربستان،کویت و امارات اضافه‏ ظرفیت دارند که در سال آینده ظرفیت تولید ایران‏ نیز ممکن است به میزان یکصد تا دویست هزار بشکه بالاتر برود ولی کلا ظرفیت کافی در اوپک‏ وجود ندارد.در خصوص قیمت‏های نفت نیز که‏ این قیمت‏ها تا چه مقدار بالا خواهد ماند دقیقا معلوم نیست،اما به نظر می‏رسد بیشتر از 25 دلار در بشکه خواهد بود.برای پایین آمدن‏ قیمت،یا باید تقاضا پایین بیاید و یا عرضه بالا برود که این اتفاق در ظرف دوازده ماه آینده‏ ممکن نیست،اما شاید در آیندهء دورتر تقاضا ضعیف‏تر بشود.وقوع این امر نه به خاطر بالا بودن قیمت نفت،بلکه به دلیل چرخهء اقتصاد امریکاست که ممکن است اتفاق بیفتد.

تأثیر قیمتهای بالای نفت را بر رشد اقتصاد جهان چگونه ارزیابی می‏کنید.اخیرا تحقیقاتی انجام شده است که نشان می‏دهد، رشد بالای اقتصاد جهان با قیمتهای بالای‏ کالاهای اساسی از جمله نفت خام همراه بوده‏ است.نظر جناب‏عالی در این مورد چیست؟

در بعضی از کشورها که اقتصاد ضعیفی دارند و یا اینکه ارزش پول آنها در مقابل دلار سقوط کرده،این امر مؤثر است،مثلا در هند یا تایلند یا فیلیپین تا حدودی مؤثر است.ما پیش‏بینی‏ می‏کنیم که سال آینده در خاور دور،رشد تقاضا نسبت به امسال دویست هزار بشکه کمتر باشد، هرچند که میزان این رشد سریع و مثبت ارزیابی‏ شده است.ولی در امریکا قیمت بالا نفت فاقد تأثیر بر اقتصاد است.این اثرگذاری در اروپا نیز بسیار ناچیز است.شاید آنچه که بیشتر از قیمت‏ نفت اهمیت دارد،آن است که اقتصاد قوی‏ امریکا سبب شده است که تمام ارزهای دیگر در مقابل دلار سقوط بکنند و چون نفت به دلار معامله می‏شود،آنها باید پول بیشتری بابت خرید نفت بدهند که این امر نیز مشکلی اضافه بر قیمت بالای نفت به وجود آورده است.

پس در واقع قیمت نفت فعلا نسبتی با رشد بالای اقتصاد جهانی ندارد؟

تا سطح قیمت‏های 30 تا 33 دلار اثر چندانی ندارد،ولی بالاتر از آن در سطوح 35 تا 40 دلار در هربشکه،حتما اثر منفی بر اقتصاد جهانی خواهد داشت.

عراق مسئله فروش نفت را در مقابل‏ دریافت یورو(واحد پول مشترک اروپایی) مطرح کرده است،به نظر شما انگیزهء عراق از این کار چیست و این درخواست تا چه حد منطقی است و اصولا انجام معاملات نفت با یورو تا چه‏اندازه امکان‏پذیر است؟

این مطلب بسیار سخیفی است که عراق‏ مطرح کرده است،چون این موضوع اساسا غیرممکن است.یورو پولی است که فعلا اسکناسی به این نام وجود ندارد و در دست‏ کسی نیست و فقط منبع معامله و سطح‏گذاری‏ قیمتهای دیگر است و هرروز هم سقوط می‏کند. هروقت که بخواهید پول خود را به یورو بگیرید باید از دلار تبدیل به یورو کنید.بنابراین موضوع‏ استفاده از یورو کاملا نامربوط است که فقط با انگیزهء لجبازی به علت تحریم‏های سازمان ملل‏ مطرح شده و اصلا موضوعی قابل بحث و بررسی نیست.

نقش انتخابات امریکا را در قیمتهای‏ جاری نفت چگونه ارزیابی می‏کنید؟آیا این‏ احتمال وجود دارد که نفتی‏ها که نوعا طرفدار بوش هستند،قیمتها را بالا نگهداشته باشند تا آرای ال‏گور را پایین بیاورند و اگر این احتمال‏ وجود دارد،از طریق چه اقدامات عملی این‏ کار را انجام داده‏اند و پیش‏بینی قیمت برای‏ بعد از انتخابات چگونه است؟

این موضوع که گروههایی در امریکا قیمتهای‏ نفت را بالا نگهداشته‏اند،بحث غلطی است و در امریکا هیچ‏کس کنترلی بر قیمت نفت ندارد.ولی‏ کلا آقای بوش و طرفدارانش علاقه‏مند نیستند که‏ قیمت نفت خیلی پایین بیاید،یعنی آنها در هر صورت قیمت بالای بیست دلار را بسیار ترجیح‏ می‏دهند.اما دولت امریکا نقش مستقیمی در این‏ مورد ندارد و فقط از لحاظ فشار به کشورهای‏ دیگر می‏تواند این کار را انجام دهد.قیمتهای‏ فعلی برای همه گران است،یعنی همهء کاندیداها با قیمتهای 30 تا 35 دلار مخالف هستند،ولی به‏ نظر من برای هردو کاندیدای ریاست‏جمهوری‏ امریکا،رقم 25 دلار قابل قبول است.آقای بوش‏ البته به شرکتهای نفتی رابطهء نزدیک دارد و (\*)رئیس مرکز مطالعات شرق و غرب در هاوایی آمریکا احتمالا تحریم علیه ایران را لغو خواهد کرد و کلا در کارهای نفتی فعالیت خیلی بیشتری دارد. اما آقای ال‏گور توجه زیادی به محیطزیست دارد و کلا با نفت و شرکت‏های نفتی مخالف است، بنابراین برنده شدن آقای بوش برای تمام‏ کشورهای نفت‏خیز و شرکتهای نفتی مفید است.

آیا شما پیش‏بینی می‏کنید که بعد از انتخابات،فارغ از اینکه چه کسی انتخاب‏ شود،قیمت نفت به سمت 25 دلار در بشکه‏ میل خواهد کرد؟

من فکر می‏کنم که قیمت نفت ظرف یک یا دو سال آینده،25 تا 30 دلار خواهد بود.بعد از آن اگر تقاضا پایین برود و تولید بالاتر برود، ممکن است در محدودهء 20 تا 25 دلار قرار گیرد، ولی قیمتهای پایین در حدود ده،پانزده یا بیست‏ دلار در بشکه برای همیشه از بین رفته است.

اخیرا برای اولین‏بار مکانیزم باند قیمت‏ در اوپک اجرا شد و اوپک پانصد هزار بشکه‏ افزایش تولید را در این چارچوب تصویب‏ نمود.تأثیر آن را بر بازار چگونه ارزیابی‏ می‏کنید و نظرتان راجع به این سازوکار چیست؟

به نظر من باند قیمتی سازوکار عقلایی‏ نیست،زیرا هرزمان که به بالای محدوده برسیم‏ و تولید را بالا ببریم،این موضوع با تأخیر زمانی‏ همراه است و دیرتر از زمان مناسب رخ می‏دهد و زمانی که به پایین قیمت محدودهء باند برسیم‏ نیز همین‏طور است و پانصد هزار بشکه تغییری‏ در اوضاع بازار نمی‏دهد.در حال حاضر که اصلا این باند قیمت بی‏معناست،چون با تقسیم پانصد هزار بشکه اضافه‏تولید اوپک،بین اعضای آن به‏ نسبت سهم تولید هریک،شاید 160 هزار بشکه‏ وارد بازار بشود.زیرا بقیهء کشورها ظرفیت تولید اضافی ندارند و این یک کار نظری است که اثر آن‏ صفر است و بیشتر به این دلیل تصویب شده‏ است که وزیر نفت ونزوئلا آن را پیشنهاد کرد و بقیه خواستند با وی ابراز موافقت و همراهی‏ کنند.

در مقایسه با این موضوع،تصمیم امریکا دائر بر ورود یک میلیون بشکه نفت در روز در بازار در ظرف سی روز چگونه است،زیرا به هرتقدیر در بازار تأثیر برجا گذاشته است.

بلکه اثر داشت،اما باید توجه داشت که سی‏ میلیون بشکه نفت امریکا در بازار مانند یک قطره‏ در ریاست.با توجه به اینکه در امریکا روزی‏ بیست میلیون بشکه نفت مصرف می‏شود، بنابراین،این مقدار تنها برابر یک روز و نیم‏ مصرف امریکاست.این تصمیم بیشتر نمادین‏ بوده است که یک موضوع سیاسی تلقی می‏شود. هرچند این حرکت اثری بر بازار گذاشت،اما این‏ اثر بلافاصله محو شد.لذا این اقدام را به هیچ‏ وجه عامل مهمی در بازار نمی‏بینیم.اگر امریکا و کشورهای دیگر عضو آژانس بین المللی انرژی به‏ همراه یکدیگر چنین اقداماتی انجام دهند، ممکن است که اثر خیلی شدیدی داشته باشد، اما حرکت امریکا به تنهایی اثر ندارد و بقیهء کشورها هم گفته‏اند که در این مورد اقدامی‏ نخواهند کرد.

پیش‏بینی شما در مورد قیمتهای نفت در سال 2001 میلادی چیست؟

پیش‏بینی می‏شود که در سه‏ماههء دوم سال‏ 2001،به علت تغییر تقاضای فصلی،احتمالا قیمت نفت چندین دلار سقوط خواهد کرد،ولی‏ قیمت پس از افت دوباره بالا خواهد رفت.لذا در طول سال پیش‏بینی می‏شود که متوسط قیمت‏

 در حال حاضر میزان تقاضای نفت‏ شدید است و در سال آینده نیز میزان رشد تقاضا بین یک تا یک میلیون و نیم‏ بشکه نفت در روز خواهد بود

بین 25 تا 30 دلار و بیشتر تمایل به سی دلار خواهد بود،البته در سه‏ماههء دوم،قیمت‏ محتملا متمایل به 25 دلار خواهد بود.

به نظر می‏رسد که وضعیت بحرانی بازار نفت ناشی از سیاستهای امریکاست.مسئله‏ تحریم برخی کشورها و تحمیل مسیرهای‏ غیرمنطقی،مانند باکو-جیهان که عملا مانع‏ توسعهء نفت و گاز آسیای میانه می‏شود،دامن‏ زدن به تشنج در خلیج فارس و جلوگیری از گفتگوی جدی بین تولیدکنندگان و مصرف‏کنندگان نفت منجر به این وضعیت‏ شده است.نظر شما در مورد نقش امریکا در این زمینه چیست؟

به نظر من امریکا در این مورد نقش بزرگی‏ ندارد.در مورد آسیای مرکزی همه متوجه هستند که خط باکو-جیهان یک خط لولهء غیراقتصادی‏ است.حتی خود شرکتها نیز به این حقیقت‏ اعتراف می‏کنند،ولی این موضوع در سالهای‏ آینده اتفاق خواهد افتاد.کاری که مثلا ایران‏ می‏خواهد انجام بدهد،این است که خط لوله‏ای‏ را با ظرفیت کمتر از چهار صد هزار بشکه از نکا به تهران و تبریز برساند و این مقدار هم تغییر اساسی در وضعیت به وجود نمی‏آورد،زیرا تنها چهار صد هزار بشکه نفت ایران جابجا می‏شود و ممکن است کلا چهار صد هزار بشکه نفت بیشتر وارد بازار بشود.اگر یک خط لولهء بزرگ،مثلا به‏ ظرفیت یک یا دو میلیون بشکه از طریق ایران‏ کشیده می‏شد،در آن شرایط ممکن بود که بر بازار تأثیر بگذارد ولی با برنامه‏هایی که در حال‏ حاضر تدارک دیده شده است کلا این نفت‏ها نفتهای اروپایی هستند نه نفت خاورمیانه،که به‏ هرصورت یا از طریق دریای سیاه و یا از طریق‏ بندر جیهان حمل خواهند شد و اگر مستقیما به‏ جیهان روند به بندر سوپسا منتقل شده و از آنجا به مدیترانه می‏رسند.

شما آیندهء خط باکو-جیهان را چگونه‏ می‏بینید؟

به نظر من خط لولهء باکو-جیهان حتما عملی‏ خواهد شد،اما سه تا چهار سال دیرتر از زمانی‏ که امریکا انتظار دارد.خط اول از قزاقستان به‏ دریای سیاه کشیده شده و خط دوم از آذربایجان‏ به سوپسا در گرجستان به مدیترانه هم تقریبا قطعی است.خطر جیهان در حال حاضر به جای‏ اینکه مستقیما از آذربایجان به جیهان متصل باشد از طریق سوپسا به جیهان در حال حاضر به جای‏ اینکه مستقیما از آذربایجان به جیهان متصل باشد از طریق سوپسا به جیهان متصل می‏شود.این‏ طرح احتمالا دو تا سه سال دیرتر از آنچه امریکا فکر می‏کند،عملی خواهد شد.ولی در حال‏ حاضر حداکثر نفتی که از ایران قرار است عبور کند،طبق برنامه‏های نفتی،زیر چهار صد هزار بشکه است.در حالی که در آن مسیرها چندین‏ میلیون بشکه نفت عبور خواهد کرد.ظرفیت خط جیهان بین یک تا یک و نیم میلیون بشکه در روز در نظر گرفته شده و یک میلیون بشکه هم از دریای سیاه عبور خواهد کرد.لذا سهم ایران در این قضیه یعنی معاوضهء نفت در نکا در مقایسه‏ خیلی قابل‏توجه نیست.

نظر شما در مورد مالیتهای سنگین بر فرآورده‏های نفتی در جامعهء اروپا چیست و آیا با توجه به فلسفهء وجودی این مالیاتها،در شرایط بالا رفتن قیمتهای جهانی نفت،آیا نباید از این مالیاتها کاسته می‏شد؟

این مالیاتها سال‏ها در این کشورها اعمال‏ شده است و این کشورها می‏گویند که این یک‏ مالیات داخلی است،مثلا در ایران می‏توانیم دویست یا سیصد درصد روی ماشین وارداتی‏ مالیات بگذاریم و این به شرکت سازندهء ماشین‏ ارتباطی ندارد.ولی با بالا رفتن قیمت،این اولین‏ بار بود که بدون هیچ‏گونه اقداماتی از جانب اوپک،خریدارها را نسبت به قیمت‏ها حساس کرد.دولت فرانسه پذیرفته است که‏ مالیاتهای سوخت را پایین بیاورد و دولت اسپانیا هم این مطلب را پذیرفت،اما آلمان مقاومت‏ می‏کند.احتمالا مالیاتها کمی پایان خواهد آمد، اما باز هم در مقایسه با درآمد کشورهای اوپک‏ این مالیاتهای خیلی بالاتر خواهد بود.

تنها در امریکا و استرالیا مالیتهای سوخت‏ زیاد نیست و رقمی بین ده تا دوازده درصد قیمت‏ است،اما مثلا در انگلیس هشتاد درصد قیمت‏ بنزین را مالیات تشکیل می‏دهد.مالیاتها مقداری‏ تعدیل خواهد شد،اما کاهش مالیاتها مقدار قابل‏ توجهی نخواهد بود.چون دولتها آنقدر به این‏ مالیاتها برای درآمد خود متکی هستند که‏ نمی‏توانند از آن صرفنظر کنند.اگر از این مالیاتها کم کنند،در آن صورت مسائل دیگری از قبیل‏ تأمین مخارج بهداشت و پلیس و ارتش و غیره‏ برای آن‏ها مطرح خواهد بود.

می‏گویند که در حال حاضر فقدان ظرفیت‏ مازاد نفت یا فقدان ظرفیت پالایش همراه‏ شده است و جمع این دو سبب بروز بحران‏ نسبی در بازار نفت شده است.تحلیل شما در مورد ظرفیت‏سازی و مشکل کمبود ظرفیت‏ پالایش چیست؟

اولا بازار دنیا مقادیر قابل‏توجهی‏ ظرفیت‏های اضافی پالایش وجود دارد و فقط در امریکا این کمبود وجود دارد،زیرا در امریکا طرفداران محیطزیست اجازه نمی‏دهند که‏ واحدهای جدیدی ساخته بشود،یا اینکه‏ پالایشگاه‏های فعلی را توسعه بدهند.در همان‏ حال در امریکا،مرتبا برای کسب کیفیت‏های‏ بالای سوخت تلاش می‏شود و این حرکت سبب‏ بروز مشکل در بازار شده است.حتی اگر قیمت‏ نفت در سطح دوازده دلار بود،در آن صورت‏باز هم امریکا با این کمبود سوخت مواجه می‏شد. اما در مورد تأثیر این وضعیت در بازار امریکا بر قیمت نفت،به نظر من سه تا چهار دلار از افزایش قیمت مرتبط با بازار سوخت در امریکاست،اما بقیهء افزایش قیمت اساسا به دلیل‏ عرضه و تقاضای نفت است.عربستان سعودی‏ چند ماه پیش اعلام کرد که نمی‏تواند در بازار امریکا خریداری برای نفت خود پیدا کند و از این‏ جهت افزایش تولید خود را غیرمنطقی‏ می‏دانست.دلیل آن این است که نوع نفت‏ عربستان با نوع پالایشگاه‏ها و کیفیت فرآورده‏ها در امریکا همخوانی ندارد.اما کلا شاهد عدم‏ تعادل در بازار هستیم،چون اگر تقاضا به بالای‏ یک تا یک و نیم میلیون بشکه برسد و تولیدکنندگان غیراوپک هم فقط 600 تا 700 هزار بشکه تولید اضافی داشته باشد و در اوپک‏ نیز هم به استثنای عربستان ظرفیت تولید اضافی‏ وجود نداشته باشد،این عدم تعادل کماکان‏ وجود خواهد داشت.یکی از این سه عامل باید عوض شود.به نظر من عاملی که تغییر خواهد کرد،تولید کشورهای غیرعضو اوپک است که‏ انتظار می‏رود در آینده با شدت بیشتری افزایش‏ یابد،اما این کار نیز دو تا سه سال طول خواهد کشید.دلیل اینکه چرا تولید کشورهای غیرعضو اوپک بالا نمی‏رود،آن است که شرکتهای نفتی‏ هنوز قیمت به ثبات قیمت‏ها اطمینان ندارند و نمی‏خواهند که با سرمایه‏گذاری مخاطره‏آمیز،با

در مورد آسیای مرکزی‏ همه متوجه هستند که‏ خط باکو-جیهان‏ یک خط لولهء غیراقتصادی است. حتی خود شرکتها نیز به این حقیقت اعتراف می‏کنند، ولی این موضوع در سالهای آینده‏ اتفاق خواهد افتاد

سهامداران خود دچار مشکل بشوند.اگر قیمت‏ نفت در سطح 25 تا 30 دلار بالای بماند،شرکتهای‏ نفتی سطح قیمت مزبور را برای سرمایه‏گذاری تا 23 تا 24 دلار بالای می‏برد،در آن صورت یک تا دو میلیون بشکه نفت جدید تولید خواهد شد. بنابراین در کوتاه‏مدت با تقاضای قوی و مشکل‏ عرضه روبه‏رو هستیم که مربوط به سال 2001 و احتمال 2002 میلادی است،چون به نتیجه‏ رسیدن سرمایه‏گذاری‏ها یک تا دو سال به طول‏ خواهد انجامید.در اینجا آنچه که مطرح است‏ موضوع اکتشاف است و نه توسعهء میادین،زیرا آنچه که باید توسعه بدهند،قبلا توسعه داده‏اند. لذا یک کمبود دو تا سه ساله در عرضهء نفت را در پیش داریم.

در بین کشورهای غیرعضو اوپک از نظر عرضهء نفت به بازار کدام‏یک مهم‏تر هستند؟

نقش تأثیرگذار را شرکتهای نفتی دارند نه‏ دولتها.به عنوان یک شرکت مشاورهء نفت، حدودا پنجاه موکل داریم که در یک همه‏پرسی‏ 23 مورد از آن‏ها می‏گویند که بالای هیجده دلار سرمایه‏گذاری نمی‏کنند.در مقابل این واقعیت که‏ در دو سال اخیر قیمت‏های نفت بالا بوده است، پس به چه دلیل هنوز حاضر به سرمایه‏گذاری‏ نیستند.شرکتهایی می‏گویند که قیمت هیجده‏ دلار به عنوان پایهء سیاست سرمایه‏گذاری آن‏ها وضع شده است و اگر تغییری در این رقم بدهند و پیش‏بینی آن‏ها اشتباه باشد،ممکن است که‏ مشاغل و وضعیت کاری آن‏ها در مخاطره قرار بگیرد.زیرا این تجربه را در سال 1998 داشته‏اند و نمی‏خواهند که وضعیت مزبور مجددا تکرار بشود.از طرفی،افزایش تقاضای نفت در امریکا در سال جاری و سال 2001،بیشتر از مجموع‏ تقاضای چین و هند خواهد بود و این در حالی‏ است که تولید امریکا مرتبا رو به کاهش است.

بدین‏ترتیب،فاصلهء تولید و تقاضا در امریکا مرتبا افزایش می‏یابد و هرساله بین نیم میلیون تا هفتصد هزار بشکه است.بدین‏جهت امریکا به‏ عنوان خریدار نفت مهمترین بازیگر در جهان‏ نفت شده است.اگر رشد اقتصاد امریکا بسیار کند بشود،با این رشد تقاضای نفت از میان می‏رود، اما آن هم‏زمان لازم دارد.ما مطمئن هستیم که‏ ظرف یک تا دو سال آینده،روند تقاضا در امریکا به شکل فعلی خواهد بود.

با توجه به پیش‏بینی شما که قیمت در حدود 25 تا 30 دلار تثبیت خواهد شد،آیا می‏توان گفت که تولید اضافی تولیدکنندگان‏ غیرعضو اوپک و سرمایه‏گذاری‏های‏ شرکت‏ها عملی خواهد شد؟

بله،به نظر من عملی خواهد شد،زیرا در بازار نوسان قیمت داریم،اما از مرحلهء سرمایه‏گذاری تا رسیدن به مرحلهء تولید یک‏ فاصلهء زمانی داریم.بودجه‏های سال آیندهء شرکت‏ها در ماه نوامبر و دسامبر بسته می‏شود. الان تمام شرکت‏ها رقم سرمایه‏گذاری را بین 16 تا 18 دلار در نظر گرفته‏اند.لذا تکلیف سال‏ 2001 قطعی است،اگر بخواهند در سال 2002 تغییری در تصمیم‏گیری‏های خود بدهند،باید از اواسط 2001 شروع به تغییر در میزان‏ بودجه‏های سرمایه‏گذاری خود کنند.از این جهت‏ تحت هرشرایطی،تکلیف بازار در دو سال آینده‏ روشن است.